

سیر سیاح

ابراهیم ذهبی؛ سیاح عکاسی خراسان

غلامرضا آذری خاکستر*

یک دهه پس از اختراع دوربین عکاسی در سال ۱۸۹۳ م. توسط نی پپس و داکر^۱ این صنعت وارد ایران می‌شود. آغازگران عکاسی در ایران، اروپاییانی از کشورهای روسیه، فرانسه، اتریش و ایتالیا بودند که در مدرسه دارالفنون نیز تدریس می‌کردند.

می‌توان گفت تقریباً در سال ۱۲۶۳ هـ.ق، تهران دارای عکاس خانه بوده است. اما تاریخ ورود عکاسی به خراسان به سال ۱۲۸۳ هـ.ق بازمی‌گردد، مقارن با سفر اول ناصرالدین شاه به مشهد. یکی از ملتزمین رکاب شاه در این سفر، آقا رضا عکاس باشی بود که عکس‌هایی از مشهد گرفت. سپس در سال ۱۳۰۰ هـ.ق ناصرالدین شاه برای بار دوم به خراسان سفر کرد و این بار منوچهر خان عکاس باشی در لیست همراهان وی بوده است. در واقع سفر ناصرالدین شاه به خراسان موجب آشنایی مردم این ناحیه با صنعت عکاسی شد.

پس از آن عکاسان متعددی در مشهد به عکاسی پرداختند، از جمله عبدالله قاجار که عکس‌های وی در سال ۱۳۰۸ هـ.ق مورد توجه بسیاری قرار گرفت. تا آن زمان عکاس‌خانه‌ای در مشهد وجود نداشت. اما در سال ۱۳۱۹ هـ.ق تقریباً ۶۰ سال پس از اختراع عکاسی، سرانجام شخصی به نام میرزا فرج الله عبادف در محله سراب اولین عکاس خانه را دایر کرد. پس از او، مقارن جنگ جهانی دوم، بهاءالملک، سپس بوریس کلیمی مشهور به بابا، عکاس خانه مانی را در مشهد دایر کردند. عکاسی مصور، گاکارین، سعادت، یوسفیان ارمنی، عماد عصار و هاشم ظریف از عکاس‌خانه‌های قدیم مشهد بودند. در دوره پهلوی هنر عکاسی در مشهد رونق گرفت. از عکاس‌خانه‌های معروف آن زمان می‌توان به عکاسی امید (رضا هم‌تیان) در کوچه چهارباغ، عکاسی نصرت (محمد نصرت)، عکاسی پیمان (حسن پیمان)، عکاسی آیریا (علی آیریا) و عکاسی سیاح (ابراهیم ذهبی) اشاره نمود.^۲

ابراهیم ذهبی مشهدی، معروف به «سیاح»، فرزند اسماعیل، از پیشکسوتان عکاسی خراسان بود. وی در سال ۱۳۰۱ هـ.ش در شهر بخارا متولد شد. پدر بزرگش حاج میرزا هاشم جواهری از ثروتمندان بخارا بود و در دستگاه امیر بخارا به عنوان جواهرشناس کار می‌کرد، پدرش نیز در شهر بخارا تلافروش بود.



* کارشناس مطالعات وقف سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی
azari222002@yahoo.com

گفت: فردا که تعطیل است، شنبه می‌روی به مقر ما و گزارش می‌دهی و وسایلت را می‌گیری. آمدم خانه به پدرم که گفتم با من بسیار دعوا کرد و من از خیر ابزار و دوربینم گذشتم.^{۳۱}

ابراهیم سیاح در حدود سال ۱۳۲۸ ش عکاس خانه خود را به نام "عکاسی سیاح" در فلکه جنوبی دایر نمود که پس از تخریب اطراف حرم در دهه ۵۰ به فلکه آب منتقل شد.

ذهبی از ابداع‌کنندگان سبک عکاسی حرم و بارگاه است. عکاسی حرم و بارگاه یا زیارتی از جمله سبک‌های عکاسی است که در شهرهای مذهبی همچون مشهد، قم و کربلا شکل گرفته و رونق دارد. ویژگی عمده عکاسی زیارتی را می‌توان پس‌زمینه و نحوه جلب مشتری دانست. نسرین ترابی پژوهشگر رشته عکاسی ویژگی‌های عکاسی زیارتی را چنین عنوان نموده است: «مهم‌ترین ویژگی این نوع عکاسی نداشتن آرشو است و علت آن نیز نوع مشتری است. مشتریان این بخش زائرین هستند که به دلیل عدم مراجعه به چاپ مجدد، نیاز به آرشو را ایجاد نکرده‌اند. بارز بودن جنبه یادگاری و تقدس این نوع عکس‌ها، استفاده از پس‌زمینه‌های منقش به حرم مطهر رضوی و سرعت در ارایه کار به مشتری از دیگر ویژگی‌های عکاسی حرم و بارگاه می‌باشد.»^{۳۲}

ابراهیم ذهبی سال‌های سال دوربین به دوش در خیابان‌های مشهد گشت و از مردم و زائران عکس گرفت، به همین خاطر به سیاح ملقب شد. این شیوه کار او بر عکاسان نسل‌های بعد نیز اثر گذاشت، به همین دلیل او را پیشتاز عکاسی خیابانی و زیارتی کشور می‌دانند.

ابراهیم سیاح در ابتدای عکاسی حرم و بارگاه، سوژه‌ها را به بام خانه‌اش می‌برد تا حرم را در پس‌زمینه داشته باشد. وی در مرور خاطراتش پیرامون این موضوع گفته است: «در زمان رضا شاه که اطراف فلکه حضرت را خراب کردند و مانع عکاسی در مجموعه حرم شدند، پرده‌ها را ساختم. نقاشی به نام آقای دیدین‌فر که مغازه‌اش در خیابان امام‌خمینی (ره)، روبه‌روی اداره کل آموزش و پرورش خراسان بود، نقاشی‌های پرده‌ها را از روی عکس‌هایی که من از مجموعه حرم گرفته بودم، در اندازه‌های دو متر در دو متر به صورت چهارگوش نقاشی می‌کرد. نقاشی‌ها بیشتر مربوط به گنبد و گل‌دسته، صحن نو، صحن کهنه و ضامن آهو بود. زائران که اغلب از شهرستان‌ها و روستاها بودند پس از انتخاب پرده مورد نظر و نوع پوشش، جلوی تصاویر نقاشی شده می‌ایستادند و عکس می‌گرفتیم.»

یکی از عکس‌های سیاح با عنوان "سقای پیر" در سال ۱۳۳۶ هـ ش برنده مقام اول عکاسی در کشور آمریکا شد. این عکس تصویر پیرمردی سقا در منطقه کلات خراسان است که توانست تندیس یکی از مهم‌ترین مسابقات عکاسی آمریکا را از آن خود کند.

وی در دهه بیست، با امضای قراردادی با آستان قدس رضوی،

ابراهیم سیاح در مصاحبه‌ای با بخش تاریخ شفاهی مدیریت اسناد و مطبوعات آستان قدس رضوی، جریان مهاجرتش به ایران را چنین بیان کرده است: «بعد از انقلاب بلشویکی ۱۹۱۷م حدود چهار یا پنج سال داشتم که کمونیست‌ها به خانه ما حمله کردند. در این موقع پدر بزرگم پرچم ایران را بالا برد و گفت: ما تبعه ایران هستیم و حق ندارید اموال ما را ببرید. خانواده ما از طریق مرز باجگیران وارد ایران شدند و سپس به خاطر ارادت به علی بن موسی الرضا (ع) به شهر مشهد عزیمت کردیم و در کوچه چهنو ساکن شدیم.»^{۳۳}

وی بخشی از تحصیلات ابتدایی خود را تا سال ۱۳۱۶ هـ ش در مدرسه ملی محمدیه سعادت واقع در بازار سرشور گذراند؛ اما به دلیل فوت پدر و مادرش، مجبور شد تحصیلاتش را در مهدیه حاجی عبدالزاده ادامه دهد.

سیاح، عکاسی را از سن ۱۵ سالگی زیر نظر دایی‌اش، محمد حسین عالم زاده، که او نیز از مهاجران روسی و یک عکاس معمولی و آماتور بود، شروع کرد. وی در این زمینه گفته است: «من یک دایی داشتم در خارج (روسیه) که عکاس بود و برای مسافرت به ایران آمده بود، یک روز که زیر نور آفتاب خوابیده بود، عکسی از او گرفتم و به این صورت بود که اولین عکسم را در ۱۵ سالگی از دایی‌ام گرفتم و به تدریج در کنارش عکاسی را آموختم.»^{۳۴}

این پیشکسوت عکاسی در مورد علاقه‌اش به عکاسی نیز چنین گفته است: «بچه که بودم خیلی دوست داشتم یک دوربین داشته باشم. روزی جعبه‌ای را برداشتم، روزنه‌ای در آن ایجاد کردم و در آن یک عدسی کار گذاشتم. عکس‌هایی را از جاهای مختلف دنبال هم گذاشته و از جلوی روزنه عبور دادم، برای خودم شهر فرنگی درست کرده بودم... پدرم می‌گفت: تو آخر یا نقاش می‌شوی یا عکاس.»^{۳۵}

وی عکاسی را همراه با نصرت، از عکاسان مطرح مشهد، به‌عنوان یک شغل و حرفه با گرفتن عکس از متقاضیان شناسنامه در اداره آمار و ثبت احوال، ادامه داد. محمد نصرت، متولد ۱۲۸۳ هـ ش، از عکاسان قدیم و مشهور مشهد بود و حیطه کار او بیشتر عکاسی حرفه‌ای یعنی کار در آتلیه و گرفتن عکس‌های پرسنلی بود.^{۳۶}

با شروع جنگ جهانی دوم هر چند ایران اعلام بی‌طرفی کرد اما در شهریور ۱۳۲۰ هـ ش به اشغال متفقین درآمد. شهر مشهد نیز شاهد حضور روس‌ها بود. ارتش سرخ، ادارات و نقاط مختلف شهر را تصرف کرد. سیاح در خاطراتش با اشاره به این موضوع چنین بیان نموده است: «بعد از حضور نیروهای شوروی در ایران، روس‌ها ابزار عکاسی من و نصرت را بردند. روز بعد پنج شنبه بود. صبح اول وقت به مقر آنان که اداره نظام وظیفه بود، رفتم. با زبان روسی شکسته بسته به مسئول آن‌جا فهماندم که عکاسی و ابزار کار ضبط شده‌ام را می‌خواهم.





سرانجام ابراهیم ذهبی در سن ۹۱ سالگی در حالی که ۱۵ سال دست از عکاسی کشیده بود در صبح روز سه شنبه ۲۸ خرداد ۱۳۹۲ در مشهد دارفانی را وداع گفت و در آرامگاه خواجه ربیع به خاک سپرده شد.

روحش شاد.

۱. اشتری، هادی، «مختصری از تاریخ عکاسی»، ارمغان، ش ۱، فروردین ۱۳۹۹، ص ۲۷.
۲. آذری خاکستر، غلامرضا. پیشگامان عکاسی مشهد. شهر آرا، ۱۲ مرداد ۱۳۸۵
۳. نظرزاده، محمد، تاریخچه عکاسی در آستان قدس (مصاحبه با آقای ابراهیم سیاح). دفتر اسناد جلد چهارم. ص ۲۲۵-۳۴۴
۴. بخشی از گفتگوی ابراهیم ذهبی با فصلنامه عکس آبرنگ
۵. ترابی، نسرين. عکاسخانه ایام گزیده‌ای از تاریخ عکاسی خراسان. تهران. کلهر. ۱۳۸۳. ص ۶۵
۶. ترابی، نسرين. عکاسخانه ایام گزیده ای از تاریخ عکاسی خراسان. ص ۶۰
۷. همان منبع پیشین. ص ۶۵
۸. ترابی، نسرين. عکاسی زیارت. کتاب ماه هنر. شماره ۱۲۵، بهمن ۱۳۸۷. ص ۵۳
۹. روزنامه شهرآرا ۲۹ خرداد ۱۳۹۲

با استفاده از دوربین‌های فانوسی و شیشه‌های حساس شده به نور، مبادرت به تهیه عکس‌هایی از اماکن حرم مطهر امام‌رضا(ع) می‌کرد.

به‌گفته کیارنگ علانی، از مدرّسان عکاسی، فعالیت‌های عکاسی استاد ذهبی را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم کرد: یکی از این سه ژانر «عکاسی زیارتی» است که مورد توجه ویژه ابراهیم ذهبی بود و به‌نوعی می‌توان گفت که این هنرمند از بنیان‌گذاران عکاسی زیارتی در ایران بوده است. یکی دیگر از گونه‌هایی که ذهبی در آن فعالیت می‌کرد، عکاسی از مناظر شهری است. وی به‌دلیل علاقه و ارادتی که به فضاهای شهری و به‌ویژه معماری سنتی مشهد داشت، عکس‌های بسیاری از ساختمان‌های قدیمی و مناظر شهری مشهد به ثبت رسانده و معتقد بود که این ساختمان‌ها و مناظر شهری به زودی تغییر پیدا می‌کند یا از بین می‌رود، به‌همین دلیل اهتمام ویژه‌ای در عکاسی از مناظر شهری مشهد داشت. همچنین عکاسی از طبیعت از دیگر آثار مرحوم ذهبی بود و با اینکه درمقایسه با دو گونه دیگر، عکس‌های کمتری در ژانر عکاسی از طبیعت گرفته است، اما این کار یکی از دل‌مشغولی‌های سیاح در حوزه عکاسی بود. عکس‌هایی که او از مناطق بیلاقی طرّبه و کلات گرفته، مثال‌زدنی است.^۱

ذهبی در سال ۱۳۲۵ هـ ش در ۲۲ سالگی ازدواج کرد که حاصل آن ۴ پسر و ۵ دختر بود. از فرزندانش تنها موسی الرضا ذهبی شغل پدرش را ادامه داده است.